


کلبه ی دوستی

اُ	اِهَه	ای یی ای	او و	آ آ	آ	
					ذا	ذ

آذان

ذ

گذشته اذان لذت آذر دلپذیر ذره ذره بین

گذاشت ذرت آذیت آذربایجان لذیذ ذوق

ذهن نذری پذیرایی

صدای اذان به گوش می رسید. آذر از هوای دلپذیر تابستان لذت

می برد. آذر در آذربایجان زندگی می کند. او برای نماز به مسجد

رفت. در گذشته چندبار به این

مسجد آمده بود. در مسجد با

آش نذری از او پذیرایی کردند.

